

## ترقی معجز آسای ژاپن

نویسنده این مقاله پتر دروکر [Peter Drucker]، کارشناس اقتصاد، نویسنده، مربی که در سال ۱۹۶۲ بیاس خدمات اقتصادی و فرمکنی براین ازدانشگاه توکیو بدریافت دانشنامه افتخاری نایل شده، اوضاع اقتصادی و فرهنگی کشور ژاپن را در دهسال اخیر شرح می‌دهد.

### امپراطوری خورشید طالع که پیشرفت های اقتصادیش جهانیان را بشگفت آورده مترقی ترین کشورهای خاور دور است.

در سال ۱۹۶۲ شماره بسیاری از مردان اقتصادی، بانکداران و کارداران کشورهای مختلف جهان برای دریافتن «راز پیشرفت حیرت‌انگیز ژاپن» باین کشور رو آورده بودند. صاحبان صنایع از آلمان، از ایتالیا، از فرانسه، از کانادا، از ایالات متحده آمریکا و از استرالیا بجستجوی محصولات جدید، برای پیدا کردن بازار فروش کالاهای تازه، یا معامله با شرکت‌های ژاپنی مردم در این کشور رفت و آمد داشتند. کارشناسان وال‌استریت با دقت فراوان اقتصاد ژاپن را بررسی می‌کنند تا دریابند راز این ترقی حیرت‌انگیز چیست و بمشتریان خود راه و رسم آنان را توصیه کنند.

تنها کسانی که از این ترقیات شگفت‌انگیز دم فرو بسته‌اند و سخنی بر زبان نمی‌آورند خود ژاپنی‌ها هستند و س. بعکس کارداران ژاپن، مردان اقتصادی آنان، مدبران سندیکاها و حکومت ژاپن همه از تضییقاتی که صادرات ژاپن را تهدید می‌کند بیمناکند و از واردات روزافزون آمریکا و رقابت بیش از اندازه آمریکائیان ناخرسندند. لازم می‌دانند که سد و جدی برای حفظ وضع اقتصادی ژاپن ایجاد شود. بطور کلی اغلب ژاپنیان وضع اقتصادی خود را جزماً تیره جلوه می‌دهند. واقع امر هر چه باشد، مسلم است که ژاپن، بهمین دلیل جهش غیرمنتظره، باید در روش اقتصادی و همچنین اوضاع سیاسی خود تصمیمات اساسی و جدی بگیرد. دهساله اخیر تاریخ ژاپن ثابت کرده است که اصول و روش اقتصاد آزاد ممکن است در یک کشور غیراروپائی سبب توسعه بسیار سریعی شود و سطح زندگی مردم آن کشور ترقی کرده با استمرار بالاتر برود. اکنون باید ژاپن نشان دهد که می‌تواند نخستین جامعه‌ای باشد که در عین حال برآستی «مدرن» و در اصل و مبنا غیر اروپائی است.

پیشرفت ژاپنیان، پس از پایان اشغال آمریکائیان در آوریل ۱۹۵۲، درخشنده‌ترین پیروزی اقتصادی دوران تاریخ است.

وقتی که پیمان صلح بر ژاپن تحمیل شد، سطح محصولات صنعتی آن کشور بزحمت بمیزان پیش از جنگ، که در میان کشورهای صنعتی در مرتبه دوازدهم تا پانزدهم بود، می‌رسید. مهمترین فعالیت آنها در صنعت نساجی بود که نخستین درجه توسعه صنایع ژاپن بشمار می‌رفت. کم بود مواد غذایی ادامه داشت. دو ماده اصلی زندگی آنها، برنج و گندم هنوز جیره‌بندی بود. فورم پول، شورش کارگران، طغیان سپاهیان همه موجب آن بود که تقریباً تمام کارشناسان پیش‌بینی کنند که اوضاع اقتصادی ژاپن بزودی در هم خواهد ریخت.

ولی اکنون ، فقط کشورهای متحده ، اتحاد شوروی و آلمان غربیست که محصولاتشان از ژاپن بیشتر است . و چنان می‌نماید که بزودی از آلمان غربی نیز پیش افتد . از ۱۹۵۲ بيمد درآمد ملی ژاپن سه برابر شده و محصولات و صادراتش پنج برابر . بطور بی‌سابقه در هر سال نه درصد بدرآمد ملی و ده درصد بر محصولات و صادرات صنعتی آن کشور افزوده می‌شود . این پیروزی که بمدت دهسال بدست آمده در سایه فتح عظیم در پنج جبهه مختلف بوده :

**سرمایه‌گذاری جدید** - ژاپنی‌ها در هر سال بیش از يك چهارم درآمد خود را مجدداً بکار می‌اندازند . از همین راه است که حجم محصولات صنعتی ژاپن بسرعت افزایش یافته است .

**معاملات عمده** - ژاپنیان نخستین ملتی هستند که ، در خارج از جهان غرب ، نخستین روش اقتصاد حقیقی مصرف زیاد را ایجاد کرده‌اند . ( تنها در ایالات متحده امریکاست که وسایل و در ایالات متحده ائانه منزل در هر خانوار بیش از آنجاست ) و نیز ژاپنیها هستند که بازار سهام عمومی را ، که جز در جای دیگر وجود ندارد ، بوجود آورده‌اند . اکنون از هر هفت خانوار ژاپنی یکی در شرکت‌ها صاحب سهم است .

**کشاورزی** - دوسال پیش نصف افراد فعال ژاپن بر روی زمین کار میکرد و معهدا محصولات غذایی باندازه کافی نبود . امروزه ، با اینکه نك افراد فعال بکشاورزی مشغولند ؛ و شماره نفوس هم خیلی افزایش یافته ، نزدیک است که ژاپن به بیماری افزایش محصول کشاورزی بیش از مصرف دچار گردد .

**تعلیمات** - تنها ایالت‌های متحده امریکا و اسرائیل از لحاظ دسترسی جوانان بتحصیلات عالیه بر ژاپن برتری دارند . اکنون از هر پنج نفر جوان بیست ساله ژاپنی يك نفر در دانشگاه سرگرم تحصیل است ، این نسبت بطور قابل توجهی از وضع تحصیلی اروپا ، که باید در تعلیمات آن هنوز انقلابی انجام گیرد ، بالاتر است .

**بهداشت عمومی** - در کمتر از دهسال ، امید بزنده ماندن ، از سن متوسط پنجاه به هفتاد سال رسیده و این بالاترین عمر متوسط آن عده کشورهای غربیست که مساعدترین وضع بهداشتی را دارا هستند . از سوی دیگر ژاپنی‌ها تولید نسل را تا میزان معتدل کشورهای غربی یائین آورده‌اند ، بطوریکه ژاپن تنها کشور غیر غربیست که از اشکال افزایش بی‌تناسب جمعیت نگرانی ندارد . ممکن است چنین پندارند که این پیشرفت‌ها برای ملت ژاپن گران تمام شده است . لیکن چنین نیست ، مالیات هم افزایش نیافته و ملت ژاپن مالیات سنگینی نمیپردازد . هر سال موقعی که بودجه ملی تنظیم می‌شود ، دولت توسعه اقتصادی سال بعد را پیش بینی می‌کند ، افزایش درآمد عمومی را که در نتیجه توسعه اقتصادی عاید بوجه می‌شود در نظر می‌گیرد و با توجه بآن نرخ مالیات را کاهش می‌دهد تا بر مالیات دهندگان تحمیل غیر لازمی نشود .

نکته‌ای که شاید مهمتر از همه باشد این است که در این توسعه عظیم اقتصادی ژاپن ، ورود سرمایه‌های خارجی خیلی کم دخالت داشته . از سال ۱۹۴۵ بيمد کمک امریکا باروپا بالغ بر ۴۵ میلیارد دلار بوده . ولی ژاپن که جمعیتش نك تمام نفوس اروپا بضمیمه انگلستان است ، بیش از ۳/۷ میلیارد کمک دریافت نداشته . علاوه بر آن در این کشور همیشه نسبت بسرمایه‌های خارجی يك نوع عدم اعتماد ابراز می‌شود . و همین جهت ورود سرمایه خارجی اثر چندانی در پیشرفت اقتصادی آن کشور نداشته ، بخلاف کشورهای اروپا که توسعه مهم اقتصادی چند سال اخیرشان بر چند میلیارد کمک امریکا پایه گذاری شده .

البته ژاپن هزینه‌ی بر سایر کشورها داشته که بودجه دفاعی آن بسیار اندک بوده. اعتبار هزینه ارتش ژاپن نه درصد تمام بودجه کشور است در صورتی که مخارج نظامی ایالات متحده آمریکا ۵۶ درصد بودجه آن کشور می‌باشد (از این حیث ژاپن و آلمان غربی نمونه بارز وجواب مقنمی است برای آن عده که از اثر خلع سلاح در پیشرفت اقتصاد کشوری شك دارند) با در نظر گرفتن این مزیت بازار معجز آسا بودن ترقیات ژاپن چیزی کاسته نمی‌شود. پس چرا باین موقعیت ممتاز ژاپنی‌ها اظهار نگرانی می‌کنند؟

دلیل بی‌درنگ ناوختی ژاپنیان این است که اکنون از لحاظ حفظ منافع خود، ناچارند دروازه بازار داخلی را برای رقابت خارجیان بکشایند و ژاپن از نظر اقتصادی و اجتماعی برای این آزمایش آمادگی لازم ندارد.

با اجراء دقیق سیاست تجاری، این کشور موفق شده است در فروش محصولات خود در خارج با دیگران رقابت نماید و در عین حال با افزایش تعرفه کمر کمی و ثابت نگاهداشتن قیمت‌های داخلی اقتصاد کشور را حمایت کند. اگر بخواهد از این حمایت دست بکشد ناچار خواهد بود در روش استخدام کارگر و تقلیل عده زاید بتغییر عمیقی دست بزند و این کار هر وضع حاضر مشکلات فراوانی دارد، و هم لازم است که در ترتیب پرخرج بخش کالا که بر طبق سنت قدیم فعلاً در این کشور جاری است تجدید نظر کند.

چرا باید ژاپن اجازه دهد که کالای خارجی بازار داخلی را تصرف کند؟

قسمت عمده تجارت ژاپن پس از جنگ در جدیدترین رشته‌های صنایع و بسط یافته از قبیل: صنایع مکانیکی، فبرهای مصنوعی، پلاستیک، افزار الکترونیکی و بصری، دارو، کامیون، و لوازم خانه. با اینکه هنوز نیمی از تمام صادرات ژاپن را مصنوعات «بومی قدیمی» - نساجی، اسباب بازی، کفش - تشکیل می‌دهد، ولی مصنوعات مزبور در فعالیت داخلی اهمیت چندانی ندارد. صدور این کالاها برای بدست آوردن مواد اولیه، مخصوصاً نفت و سنگ آهن که بی آنها صنعت ژاپن فلج خواهد شد، کمال ضرورت را دارد.

بسط صادرات ژاپن سرعت محدود می‌شود، هم اکنون، از حیث بها و حجم محصول؛ کشورهای تولیدکننده تازه‌ای از قبیل مجارستان، سنگاپور، فیلیپین و پاکستان که محصولات خود را با دستمزد کمتری تهیه می‌کنند با ژاپن رقابت دارند. از این رو ژاپنیان ناچار خواهند بود در سالهای آینده برای جبران کسر صادرات خود بازارهای تازه‌ای جهت محصولات جدید بیابند. تنها خریدارانی که می‌توانند بدست آورند کشورهای بازار مشترک و انگلستان (که اکنون تقریباً هیچ چیز از ژاپن نمی‌خرد) خواهند بود یا شوروی.

هیچ دلیلی در دست نیست که محصولات صنعتی ژاپن همچنانکه در ایالات متحده آمریکا که رقابت شدیدی حکمفرماست بفروش می‌رسد، در بازار اروپا فروخته نشود. لیکن ژاپن نمی‌تواند در این فکر باشد که بی‌بازار اروپا راه پیدا کند بی اینکه دروازه کشور را بروی محصولات اروپائی بکشد.

غریبان که همیشه شنیده‌اید محصولات ژاپن بی‌بهای نازلی تهیه میشود تعجب خواهند کرد اگر بشنوند که ژاپن از رقابت اروپائیان بیم می‌دارد. اما حقیقت آنستکه در آنجا فعلاً محصولات صنعتی به بهای زیادی تهیه می‌شود، مگر در رشته صنایع خیلی نو وجدید. در اغلب مصنوعات

کارخانه‌های دستمزد عملاً دو سه برابر کشورهای غربی و هزینه پخش کالا دو برابر گرانتر از آن کشورهاست .

لازم است در این باره توضیحی داده شود. ارزش کارگر ژاپنی با هر کارگری در جهان برابری می‌کند ، کاملاً برابر و زحمت کش است ، از دشواری کار روبرو گردان نیست ، می‌تواند بدون شکایت مدت طولانی کار کند . اما در بعضی کارخانه‌ها عده کارگر بیش از ۶ برابر آن عده کارگریست که در يك کارخانه امریکائی نظیر آن کار می‌کنند . چه ، بر طبق سنت قدیمی کارگر ژاپن برای تمام مدت عمر استخدام می‌شود و جز در مورد خطای بسیار مهمی نمی‌توان او را از کار برکنار کرد . هزاران نفر هستند که برای آنان کار نیست و با اینکه هیچ کاری ( یا تقریباً هیچ کاری ) انجام نمی‌دهند مزد خود را دریافت می‌دارند . البته بیشتر صنایع و مشاغل قدیمی هستند که مخصوصاً از این فراوانی بی‌اندازه کارگر رنج می‌برند . صنایع نو نیز از آن جهت گران تمام می‌شود که « روش استخدام برای تمام عمر » در کارخانه‌های قدیمی سبب شده که برای صنایع جدید با اندازه کافی کارگر بدست نمی‌آید و کارگران جوان هم که بکارگماشته می‌شوند پیوسته تقاضای افزایش دستمزد دارند .

اشکال پخش کالا نیز کمتر از آن نیست ، چه در آن هم بهمان اندازه که موضوع اقتصادی دخیل است مسأله اجتماعی دخالت دارد. روش پخش صد ساله تغییر نیافته . عده بسیاری دست‌های واسطه در معاملات داخلند که هر يك اگر چه حق العمل کمی دریافت می‌کنند ولی شماره متعدد آنان موجب می‌شود که بر هزینه پخش به میزان قابل توجهی افزوده شود .

باز شدن بازار ژاپن بروی کالاهای خارجی مسلماً روش اقتصادی ژاپن را در هم خواهد ریخت . معهذ این مسأله مانع از آن نیست که بسیاری از رجال اقتصاد ژاپن گوشودن مرزهای ژاپن را بروی کالای خارجی لازم و فوری ندانند . این دسته معتقدند که صنعت ژاپن نیازمند است که با رقابت خارجیان تحریک و تهییج شود ، مثلاً بهای اتومبیل ژاپن تا يك سوم کاسته شود تا بتواند با ماشین‌های امریکائی و اروپائی نظیر آن رقابت کند . نظر آنان این است که سیاست تجاری خالص و روش استخدام کارگر و پخش کالا که در ژاپن معمول است برای کشوری که در حال توسعه است نه فقط کهنه شده و از مد افتاده ، بلکه از ادامه پیشرفت جداً جلوگیری خواهد کرد بنظر ایشان ژاپن از اشتراك تجارت با غرب بهمان اندازه سود خواهد برد که کشورهای اروپائی از ایجاد بازار مشترك بهره بر میگیرند . اما آیا ژاپن آن اندازه جرأت سیاسی و روشن بینی خواهد داشت که باین کار دست زند ، و آیا رهبرانی پیدا خواهد کرد که بتوانند این راه حل را بنیجه برسانند ؟

راه دیگری که بروی ژاپن باز است، تجدید روابط تجاری با روسیه است . اتحاد شوروی بشمام کالاهای صادراتی ژاپن ، از محصولات شیمیائی گرفته تا لوازم راه آهن و کامیون و ترانزیستور مخصوصاً برای سیبری نیازمند است . تنها اشکال آن از نظر ژاپن آنست که روسها چیزی که بکار ژاپن بخورد ندارند که در عوض بژاپن بدهند و برای پرداخت بها هم مهلت طولانی تقاضا می‌کنند که برای ژاپن پذیرفتنی نیست . معهذ اگر ژاپنیان احساس پشت گرمی و اعتماد کنند ، خواهند توانست مواد اولیه مورد احتیاج را ، ولو بهای گران در روسیه بدست آورند .

تجارت با روسیه ، ژاپن را مجبور نخواهد کرد که در سیاست معمولی قدیمی اقتصادی خود بهیچ وجه تغییری بدهد . نه لازم خواهد بود که مرزهای خود را بر محصولات خارجی بکشد

و نه روش استخدام و پخش کالا را دگرگون سازد . بلکه سیاست تجاری او تقویت خواهد شد . بهمین نظر است که گروه‌های محافظه‌کار ژاپنی ، در عین مخالفت شدید با کمونیست در داخل کشور ، هیأت‌های تجاری بمسکو میفرستند بامید آنکه از راهی غیر از درآمیختن با غرب مشکل خود را حل کنند . آنان بخوبی میدانند که تجارت با روسیه توسعه اقتصادی ژاپن را متوقف خواهد ساخت ، اما شاید زبان این کار را کمتر میدانند .

تغییر جهت تجارت خارجی ژاپن برای آن کشور و برای همه جهان آزاد فاجعه بزرگی خواهد بود . تعادل اقتصادی که اکنون بسود غرب می‌چربد بسوی شوروی متعادل خواهد شد . پژواک (انکاس صوت) روانی این برکشت از آن هم مهمتر خواهد بود . روش ژاپن که تنها کشوری است از کشورهای غیر غربی که توسعه اقتصادی آن بسطح عالی رسیده نمونه‌ای برای کشورهای دیگر خواهد شد . در صورتیکه این کشور موفق نشود بیابه متساوی در جمع اقتصاد جهان آزاد پذیرفته شود برای کشورهای فقیر کم‌توسعه‌تر چه امید موفقیتی باقی خواهد ماند .

بر غریبان است که موقعیت مهم ژاپن را نیکو بشناسد . تاکنون ، کویا از آن رو که پس از جنگ در این کشور مشکلی پیش نیامده ، اولیاء امور غرب بدان توجه چندانی معطوف نداشتند و فقط از لحاظ مصلحت جنگی و اینکه پایگاه دائمی نظامی ایالات متحده است و متحد احتمالی غرب خواهد بود بدان نگریده‌اند . فراموش شده است که ژاپن کشوریست قوی و دارای فرهنگی کهن و غنی و کامیابی اقتصادی او برای میلیونها مردم غیراروپائی سرمشقی جلست . نباید گذاشت احساسات نژادی و وضع ناهنجار اقتصادی او را وادار کند از جهان آزاد کناره‌گیری نماید . تاکنون غرب هرگز کشوری که فرهنگ غیر غربی دارد هم طراز خود ندانسته . اگر چه از برابری ملتها خیلی گفتگو میشود ولی لازم است این گفته‌ها عمل هم بدنبال داشته باشد .

باید دانست که ژاپن هر اندازه اقتصادش رنگ غربی داشته باشد ، هر قدر تشکیلات فنیش پیشرفت کرده باشد ، پزشکان و دانشمندانش بهر پایه از کمال رسیده باشند - ریشه‌های فرهنگی و تاریخی ، هنری و مذهب ، زبان و ادبیاتش در گذشته آسیا فرو رفته نه در اروپا .

برای اینکه جامعه ژاپنی بتواند زنده بماند ، چاره ندارد جز آنکه تمدن جدید غرب را با فرهنگ قدیم آسیائی هم‌آهنگ سازد .

مسلم است کوشش اصلی بعهد خود ژاپنیهاست . ترقی آنها بستگی دارد به همت و روشن بینی‌ای که با آن امور داخلی ، وضع حکومت ، سیاست و اقتصاد خود را اداره کنند . ولی چون ژاپن جدید سنگر غرب است ، تنها نخواهد ماند و از کمک‌های غرب نیز برخوردار خواهد بود . زیرا در جهان نوبی ماوراء غرب ، ژاپن جدید پیش‌آهنگ و سنگ محک است .

## پایان



وضع ژاپن برای همه ملل آسیائی نمونه روشنی است که بخوبی ثابت میکند : غیراروپائی ماندن ، ملتی کهن بودن ، از سنن و عادات ملی دست‌نکشیدن ، خط غیر لاتینی داشتن ، مغلوب شدن و آسیب فراوان دیدن ، هیچکدام مانع از آن نیست که ملتی در مدتی اندک خود را باوج عظمت اقتصادی و فرهنگی برساند . تنها سعی و کوشش لازم است نه گفتار بی‌کردار .